

# شاهنامه و شاهنامه سرایان

ابراهیم صفائی

سرودن «شاهنامه» در ایران دوران اسلامی نشانه روح ملیت و پیوند ناگسستنی با آیین شاهنشاهی است. از قرن سوم هجری که آرمانهای ملی ایرانیان برای بازیافتن قروشکوه باستانی در این سرزمین ایزدی تجلی کرد و بزرگانی از گوشه و کنار این مرزوبوم برخاستند و برای بازگشت وحدت ملی و کسب استقلال و بزرگی دیرین میهن خود مردانه پیکار کردند، یک نوع احساس پاک ملی و میهنی در مردم این کشور شکفته شد و چون ایرانیان از آغاز تاریخ خود «شاه» را رهبر ملی و اجتماعی و پاسدار استقلال مملکت و مظهر قهر ایزدی میدانستند، از این رو پیوسته بازگشت به دوران استقلال و بزرگی و ظهور شاهنشاهی دادگر را آرزو میکردند، مبارزه پیگیر ایرانیان در قرن سوم و چهارم هجری بر ضد حکومت بیگانگان روشنگر این آرمان ملی میباشد.

در اثر نهضت‌های ملی و احساسات میهنی و استقلال‌طلبانه ایرانیان در چنان روزگاری، شاعران و سخنوران که بیان‌کننده احساسات توده‌های مردم بودند بسرودن شاهنامه آغاز کردند و در این کار چند هدف داشتند.

نخستین هدفشان بیان احساسات ملی و برانگیختن افکار عمومی ایرانیان بود برای بازگشت به دوره استقلال و قروشکوه شاهنشاهی.

دومین هدف این بود که پیوند معنوی و رابطه ناگسستنی مردم ایران زمین را با آیین شاهنشاهی بیان کنند و با شرح آیین کشورداری و جنگ‌ها و کشورگشائی‌ها و حماسه‌های پادشاهان، این اندیشه را در افکار عمومی بیدار سازند و مردم را در راه کسب استقلال ملی سوق دهند.

سومین هدف، یادآوری قهرمانی‌ها و پهلوانی‌ها و سرافرازیهای ایران باستان بود بمنظور برانگیختن روح پهلوانی مردم برای پاس میهن و پیکار با بیگانگان و بیگانه‌پرستان و نگهداشت پرچم و دیهیم شاهنشاهی ایران.

در چهارمین هدف هم ثبت رویدادهای تاریخی و نکوهش بیدادگران و ستایش دادگران را برای عبرت آیندگان در نظر داشته‌اند.

سرودن شاهنامه در ایران با این هدف‌ها آغاز گردید و چون این هدف‌های جاویدان ملی در هر زمان پایندان شکوه و آرامش کشور و آسایش مردم بوده است، می‌بینیم اندیشه سخنوران در پیروی از احساس شاهدوستی و ملی و برپایه بایستگی‌های زمان، در مدت بازده قرن این آرمان را در ادبیات ایران جلوه‌گر ساخته است. از اینرو از قرن سوم هجری تا قرنی که

ما اکنون در آن زندگی می‌کنیم، یعنی قرن چهاردهم هجری، شاعران بسیار بسروند شاهنامه پرداخته‌اند.

این ادامه شاهنامه‌سرایي در یازده قرن آیینی است که استمرار آرمان‌ها و اندیشه‌های ملی را نشان می‌دهد و گواه بر آن است که ایمان به آیین شاهنشاهی در عصر رنگ و جلوه تازه بخود گرفته و جالب این است که شاهنامه‌سرایان همه در هنگامی که احساسات ملی ایرانیان برانگیخته می‌شده یعنی در هنگامه يك رستاخیز ملی و تحول تاریخی بسروند پرداخته‌اند.

در حقیقت شاهنامه‌سرایي فصل‌حماسی و ملی ادبیات ما را تشکیل می‌دهد و با ویژه‌گی‌هایی که دارد می‌توان گفت یکی از شیوه‌های خاص شعر و ادبیات ایران است.

با آنکه شاهنامه‌سرایي در ایران از لحاظ آرمان‌های ملی و ادبیات حماسی اهمیت بسیار دارد تا آنجا که من بیاد دارم پژوهش‌کلی در این باره نشده و بسیاری از شاهنامه‌ها و شاهنامه‌سرایان ما ناشناخته مانده‌اند، از اینرو بر آن شدم در طی این مقاله سخنی کوتاه از شاهنامه‌سرایي و شاهنامه‌سرایان بازگویم و گروهی از شاعران ملی و منادیان میهنخواهی را که به ادبیات حماسی ما شکوه بخشیده‌اند بکوتاهی معرفی کنم.

در اینجا من نیازی به نقل شعر شاهنامه‌ها و تفصیل سخن نمی‌بینم چون در این زمینه تفصیل سخن زانند در حد يك کتاب است و آن هم از حوصله مقاله و مجله بیرون می‌باشد.

تنها از چهارده شاهنامه و شاهنامه‌سرا به اجمال سخن می‌گویم.

۱ - شاهنامه مسعودی: چنانکه پژوهشگران تاریخ ادبیات ایران نوشته‌اند، نخستین شاعری که به نظم شاهنامه همت گماشته «مسعودی مروزی» بوده که در نیمه دوم قرن سوم هجری میزیسته است. شاهنامه مسعودی در «بحر هزج شش‌تایی ناسالم» (وزن دوبیتی‌های باباطاهر) سروده شده و مسعودی این منظومه را از داستان «کیومرث» آغاز کرده ولی شاهنامه او بر جای نمانده و تنها در برخی از متن‌های کهن از جمله در کتاب «غرر اخبار الملوك» ثعالبی از شعرهای شاهنامه مسعودی نقل شده است.

۲ - دومین شاهنامه‌سرا، ابومنصور محمد دقیقی است که نخست در دربار «ابوالنظر امیر جغانیان» بوده و به کیش زردشتی گرایش داشته و بخواست ابومنصور عبدالرزاق حکمران طوس و نیشابور بنظم شاهنامه پرداخته ولی روزگار فرصت انجام این خدمت را به او نداده و در جوانی کشته شده است.

شاهنامه دقیقی در «بحر تقارب هشت‌رکنی ناسالم» سروده شده و تنها هزار بیت از آن بر جای مانده که در آغاز شاهنامه فردوسی جای گرفته و ارزش هنری شعر او خوب است و فردوسی را بر دقیقی حقی است که هزار بیت بازمانده شاهنامه او را در کتاب خود آورده و این اثر را پاس داشته است.

۳ - شاهنامه «حکیم ابوالقاسم فردوسی» معروف‌ترین و پراورج‌ترین شاهنامه‌ها و گرامی‌ترین منظومه ملی و حماسی ادبیات فارسی می‌باشد و از فراوانی شهرت بی‌نیاز و بلکه برتر از آن است که سخنی درباره آن گفته شود.

این اثر بزرگ به تشویق ابومنصور عبدالرزاق حکمران طوس در سال ۳۶۵ هـ - ق آغاز و در سال ۴۰۰ هـ - ق در زمان سلطان محمود غزنوی پایان یافته و شامل متجاوز از پنجاه و چند هزار بیت می‌باشد.

فردوسی از ابومنصور عبدالرزاق مشوق خود در آغاز شاهنامه چنین یاد کرده است:

بدین نامه چون دست کردم دراز	یکی مهتری بود گردن فراز
جوان بود و از گوهر پهلوان	خرمند و بیدار و روشن‌روان
بچشمش همان خاک و هم سیم و زر	بررگی ازو یافته زیب و فر

مرا گفت کر من چه آید همی؟      که جانت سخن بر گراید همی  
به چیزی که باشد مرا دسترس      بکوشم نیازت نمانم به کس  
به کیوان رسیدم ز خاک نژند      ازان نیکدل نامدار ارجمند

این گفتار چنین می‌نماید که ابومنصور وسایل آسایش فردوسی را تکفل کرده ولی بعد از مرگ ابومنصور هم فردوسی بکار نظم شاهنامه اشتغال داشته و پس از گرفتاری و پربشان روزگاری همراه «علی‌دیلمی» و «ابودلف» کاتب و راوی اشعار خود به دربار سلطان محمود غزنوی شتافته و بگفته «ادوارد براون» همینکه به دربار محمود درآمد مقدمه‌ئی در ستایش سلطان بر شاهنامه افزوده است (تاریخ ادبیات ایران - از ادوارد براون ترجمه مجتبیائی ص ۱۹۰).

فردوسی تاریخ ایران را از آغاز سلسله داستانی پیشدادی تا انقراض پادشاهی ساسانیان و چیرگی اعراب بر ایران بنظم کشیده و مآخذ او بیشتر شاهنامه منثور ابومنصوری و متن‌خداپناه و اوستا و تاجنامه و نقل شفاهی مؤبدان و سالخوردگان و آگاهان بوده و تنها دوره اشکانیان را بواسطه نداشتن مآخذ با آوردن اییاتی معدود مبهم گذاشته است.

شاهنامه فردوسی چنانکه میدانیم هموزن شاهنامه دقیقی و در بحر تقارب هشت زکعی ناسالم (فعولن فعولن فعول) میباشد.

بعقیده گروهی از محققان و فردوسی‌شناسان، قریب یک‌دهم از اشعار شاهنامه الحاقی میباشد و از فردوسی نیست.

شاهنامه در نسخه‌های فراوان و خطی و چاپی منتشر شده معروفترین و گرانبهاترین نسخه شاهنامه، شاهنامه بایسنقری است که در قرن هشتم هجری به دستور و کوشش «بایسنقر» نوه امیر تیمور از روی نسخه‌های مختلف گردآوری شده و با یک مقدمه جامع و مینیاتورها و تذهیب و نقاشی زیبا آراسته گردیده و در سال ۱۳۵۰ (زمان جشن دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران) از روی این نسخه بسیار ظریف و نفیس تعدادی کتاب چاپ شد و در میان ایرانشناسان توزیع گردید، شاهنامه سلطنتی میباشد.

۴ - شاهنامه اسدی طوسی: این شاهنامه بنام گرشاسپ‌نامه میباشد و در قرن پنجم ه.ق سروده شده است.

«گرشاسپ» آخرین پادشاه سلسله افسانه‌ئی پیشدادی است.

اسدی شاهنامه خود را به وزن شاهنامه فردوسی سروده و از پادشاهی و دلاوریهای گرشاسپ سخن رانده و کتاب او از حیث ارزش ادبی و هنری همپایه شاهنامه دقیقی و در پایگاه فرودین شاهنامه فردوسی قرار دارد. اسدی پهلوان داستان خود را از پهلوان شاهنامه فردوسی برتر دانسته و گفته است:

گراز جنگ «گرشاسپ» یاد آیدت      همه جنگ «رستم» بیاد آیدت

۵ - شاهنامه هاتفی جامی: در نیمه اول قرن دهم بوسیله هاتفی جامی شاعر خراسان شاهنامه‌ئی در بحر تقارب درباره جنگ‌ها و پیروزی‌های شاه اسمعیل صفوی سروده شده ولی هاتفی هم مانند دقیقی زود در گذشته و بیشتر از ۱۲۰۰ بیت از اشعارش بر جای نمانده است.

اشعار شاهنامه هاتفی از لحاظ ارزش هنری و ادبی کمتر از شاهنامه دقیقی و اسدی میباشد. ۶ - شاهنامه قاسمی: این شاهنامه از طرف شاعری بنام قاسمی جنابدی بفاصله کوتاهی پس از شاهنامه هاتفی سروده شده و تاریخ تأسیس پادشاهی صفویه و سلطنت و جنگ‌های شاه اسمعیل و شاه طهماسب را دربر دارد و مشتمل بر ۶۳۰۰ بیت است و در حقیقت «قاسمی» کار «هاتفی» را تکمیل کرده و از حیث ارزش ادبی و هنری با شاهنامه هاتفی برابر میباشد.

۷ - شاهنامه حیرتی: اسم کوچک این شاعر نیز دانسته نشد، اما میدانیم که از سخنوران معاصر شاه طهماسب اول بوده و شاهنامه‌ئی در چند هزار بیت در بحر هزج مسدس ناسالم (وزن

منظومه خسرو شیرین حکیم نظامی) پرداخته که بیشتر شرح غزوات پیامبر بزرگ اسلام و قسمتی نیز شامل ستایش شاه طهماسب و شرح دلاوریهای او است.

این شاهنامه از لحاظ ارزش هنری و ادبی متوسط میباشد و ابیات ضعیف هم دارد.

۸ - شاهنامه بهشتی : شاعر دیگر بنام بهشتی (که نمیدانم همان بهشتی گیلانی است که معاصر شاه سلیمان و سلطان محمد خدابنده بوده و صاحب تذکره نصرآبادی از او نام برده، یا کسی دیگر است) در سال ۹۸۵ هـ - ق شرح جنگ سلطان محمد خدابنده را با سلطان مراد پادشاه عثمانی بنظم کشیده و دلیری سلطان محمد و سپاهیانش را ستوده است.

اصل این شاهنامه را ندیده‌ام اما از اشاراتی که در چند مأخذ رفته است چنین برمیآید که در بحر سریع سروده شده (هم وزن منظومه مخزن الاسرار حکیم نظامی) و قریب دوهزار بیت بوده و ارزش متوسطی داشته است.

۹ - شاهنامه صادق : این شاهنامه از شاعری است بنام «آقا صادق تفرشی» که در قرن دهم هجری میزیسته و شاهنامه خود را در ده هزار بیت مبنی بر خلاصه تاریخ ایران از پادشاهی کیومرث تا خلافت بنی امیه و آغاز نهضت‌های ملی ایران سروده و ارزش ادبی آن در پایه متوسط است و وزن آن در «بحر سریع» میباشد.

۱۰ - شاهنامه نادری : شاعری بنام «نظام‌الدین عشرت» در سال ۱۱۶۲ هـ - ق شرح پیروزی نادر را در هندوستان در بحر تقارب و در سه هزار بیت بنظم آورده که چند نسخه خطی از آن برجاست و شعرش ارزش متوسط دارد و گاهی هم ضعیف است.

۱۱ - شاهنامه نادری : این شاهنامه از شاعری است بنام «محمدعلی طوسی» که نسب خود را به فردوسی رسانیده و از اینرو خود را «فردوسی ثانی» نامیده است! او از سال ۱۱۶۲ تا ۱۱۶۴ هـ - ق شاهنامه نادری را در ۵۳۰۰ بیت در بحر تقارب (با ارزش متوسط هنری و ادبی) درباره زندگی و جنگ‌های نادرشاه تا پایان کار او بنظم کشیده است. این شاهنامه بسیی انجمن آثار ملی و با مقدمه احمد سهیلی خوانساری به چاپ رسیده است.

۱۳ - شاهنامه صبا : این منظومه را «فتحعلیخان صبا» (ملک الشعراء دربار فتحعلیشاه قاجار) در سه هزار بیت سروده و در آن از جنگ‌های ایران با روس و عثمانی سخن رفته و در هندوستان با چاپ سنگی بطبع رسیده و ارزش هنری و ادبی آن در عرض شاهنامه اسدی و دقیقی شناخته شده و گاهی بتقریب شاهنامه فردوسی تکبیت‌هایی دارد و از تمثیل و پند نیز خالی نیست یک تمثیل از شاهنامه صبا :

به دیلم مرا بود وقتی سفر	بفرمان دارای جمشید فر
ز خاک سیه فام و آب سپید	بجان گشتم از زندگی نا امید
به دانگی دوسیم از گذرگاه رود	کشاورز آن مرز را هم نمود
ستم پیشه مردی ندادش درم	به دشنام و چوبش بیازرد هم
من از آب آسان گذشتم چو برق	ستم پیشه مسکین به گرداب غرق
رهائی ز کشتی بود با خدای	ولیکن مرغان دل ناخدای

۱۴ - شاهنامه نویخت یا «پهلوی‌نامه» : این شاهنامه سروده دانشمند معاصر آقای حبیب‌الله نویخت است و مشتمل بر تاریخ ایران از پایان عصر ساسانی و دوران حکمرانی اعراب تا آغاز عصر پهلوی و شروع اصلاحات بنیادی بنیانگذار ایران نوین (اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر) می‌باشد و در حقیقت ادامه مطلب شاهنامه فردوسی درباره تاریخ ایران است.

شاهنامه نویخت طولانی‌ترین منظومه فارسی و مشتمل بر یکصد هزار بیت می‌باشد و در ده جلد تنظیم شده، جلد اول آن شامل قریب بیست هزار بیت در قطع بزرگ بسال ۱۳۰۷ شمسی

در چاپخانه مجلس بطبع رسیده است. این اثر از لحاظ احساس ملی و از لحاظ اینکه طولانی‌ترین منظومه زبان فارسی است درخور توجه میباشد.

بجز آثار یاد شده منظومه‌های بسیار بتقلید شاهنامه سروده شده ولی نامهای دیگر دارند و از نظر هنری و ادبی هم در حد متوسط و گاهی پائین‌تر از متوسط وضعیف قرار گرفته‌اند. در ترکیه و هندوستان نیز چند شاعر فارسی‌گوی بتقلید شاهنامه درباره فتوحات سلطان بایزید دوم (پادشاه عثمانی) و اکبر شاه هندی (پادشاه معروف سلسله بابر هند) منظومه‌هایی بنام شاهنامه و اکبرنامه سروده‌اند که چون مربوط بتاریخ ایران نیست از یادآوری آنها چشم‌پوشی شد. مطلبی را که نباید در این مقال مسکوت گذاشت، یادآوری از دو منظومه دیگر است که هر دو در بحر تقارب سروده شده و با آنکه عنوان شاهنامه ندارد چون تقلیدی از وزن و شیوه شاهنامه فردوسی است نباید این دواثر را نادیده گرفت.

یکی از این دواثر اسکندرنامه حکیم نظامی گنجوی است، گرچه این اثر از حیث احساس ملی و میهنی با شاهنامه قابل قیاس نیست ولی از لحاظ هنر شعر و احساس شاعرانه و ظرافت ادبی بعقیده بسیاری از مستشرقان و سخن‌شناسان در بسیاری از موارد بر اشعار فردوسی برتری دارد و روی هم از شاهکارهای شعر فارسی شمرده می‌شود.

اثر دیگر «قیصرنامه» ادیب پیشاوری است که مشتمل بر بیست‌هزار بیت است و در بحر تقارب سروده شده و حاوی اشعار حماسی و میهنی و تمثیل و اندرز میباشد و چون کتاب را بنام قیصر و یلهلم دوم امپراتور آلمان آراسته آن را به «قیصرنامه» موسوم ساخته است.

این توضیح بایسته است که در هنگام نخستین جنگ جهانی افکار عمومی ملت ایران صمیمانه خواستار پیروزی آلمان بود و بهمین مناسبت ملیون ایران به همکاری با آلمان و عثمانی (متحد آلمان) و پیکار با روس و انگلیس برخاستند و حکومت ملی به رهبری رضاقلیخان نظام‌السلطنه در کرمانشاه تشکیل شد و در سراسر ایران این احساسات وجود داشت.

ادیب پیشاوری (با پایه‌بلند علمی که داشت) در آن هنگامه جنگ جهانی مانند یک شاعر متعهد ملی به پیروی از احساسات عمومی منظومه خود را «قیصرنامه» نامید و به «قیصر و یلهلم دوم امپراتور آلمان» تقدیم کرد.

این کتاب هنوز به چاپ نرسیده ولی از منظومه‌های حماسی و ارزنده شعر فارسی است و بجز شاهنامه فردوسی و اسکندرنامه نظامی که در اوج قرار دارند از دیگر آثاری که بر شمردیم کمتر نیست و بلکه در زمره بهترین آنها است، نقطه ضعف قیصرنامه آن است که ادیب واژه‌های نامأنوس زیاد بکار برده و این واژه‌ها از فصاحت بعضی از ابیات کاسته است.

از بوستان سعدی که نیز در بحر تقارب سروده شده و از شاهکارهای شعر فارسی میباشد، سخنی نمی‌گوییم، چون یک اثر ابتکاری است و با شیوه شاهنامه‌سرایان ارتباط ندارد و مجموعه‌ای از اندیشه‌های اجتماعی و احساسات عاطفی سعدی است که با زبان شیرین و تعبیرات و اصطلاحات دلنشین عارفانه و شاعرانه سعدی بیان شده است.